

علت واقعی مطالبات معوق

رییس کل بانک مرکزی در اواخر بهمن ماه ۱۳۸۷ در نخستین همایش بین‌المللی نظام سنجش اعتبار گفت: میزان مطالبات معوق بانک‌ها در سال ۱۳۸۴، حدود ۷/۱ درصد بود و در پایان دی ماه ۱۳۸۷ به بیش از ۲۰ درصد رسید. بر این اساس، رقم اسمی و نقدی مطالبات معوق در پایان دی ماه سال ۱۳۸۷ حدود ۳۸ تریلیون ریال است. وی در همین جلسه وجود مطالبات معوق را ناشی از نبود اطلاعات جامع و بانک جامع اطلاعاتی دانست و گفت: شرکت‌های اجتماعی در کشور، به علت نبود سیستم اطلاعاتی یکپارچه و به روز، تسهیلاتی را از بانک‌های کشور دریافت کرده‌اند و با اینکه در حال حاضر، هزارها میلیارد تومان وثیقه در رهن بانک‌هاست، اما نمی‌توان مطالبات را وصول کرد. اما از طرف دیگر و علیرغم نظر رییس کل بانک مرکزی، دکتر جمشید پژویان، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، معتقد است که رشد مطالبات معوق، نشانه تخصیص غیر بهینه منابع بانکی در اثر دولتی بودن نظام بانکی و تعیین مدیران بانک‌ها توسط دولت است، زیرا مدیران منصوب دولت، برآورده‌سازی مطالبات رؤسای خود را به الزامات حرفه‌ای پست خود ترجیح می‌دهند و در نتیجه، تسهیلات ارزان قیمت که زیر نرخ پول در بازار است، به دست کسانی می‌رسد که امکان استفاده از این تسهیلات را دارند و پول‌ها را در جایی که سود دهی بیشتری دارد و بیشتر خرید و فروش مسکن و ... است، به کار می‌برند. یکی دیگر از کارشناسان هم از همین منظر به ریشه‌یابی مطالبات معوق پرداخته و درآمدهای سرشار نفتی و سلطه دولت بر این درآمدها و نرخ سود بانکی را علت اصلی مطالبات معوق می‌داند. این تحلیل را به نقل از سایت رستاک در زیر می‌خوانید.

نرخ سود بانکی، ریشه مطالبات معوق

مطالبات معوق بانک‌ها و رشد نگران‌کننده آن طی سال‌های اخیر، به یکی از چالش‌های نظام بانکی و اقتصاد کشور تبدیل شده است که همین مسأله لزوم اتخاذ تدابیر فوری و در عین حال، اساسی را برای ریشه‌کنی این پدیده خطرناک بیش از پیش ضروری می‌سازد. پیش از پرداختن به راه‌های مهار و ریشه‌کنی این مسأله، باید به شناختی دقیق از عوامل و بستری که مطالبات معوق بانک‌ها در آن ایجاد می‌شوند و گسترش می‌یابند، دست یافت.

شاید در نگاه نخست، قدری عجیب به نظر برسد که ریشه اصلی مطالبات معوق بانکی- مانند بسیاری از چالش‌های اقتصاد کشور ما- در درآمدهای سرشار نفتی و تسلط همه جانبه دولت‌ها بر این درآمدهای هنگفت سراغ گرفته شود، ولی واقعیت این است که با کمی تعمق و تدبیر روشن می‌شود که برخورداری دولت‌ها از این درآمدها، از دو طریق به پیدایش و افزایش مطالبات معوق بانک‌ها منجر می‌شود. مسیر نخست، ایجاد مطالبات و توقعات نزد مردم است که معمولاً بیش از حد توان بالفعل و بالقوه دولت‌هاست، ولی به دلیل وجود این باور عمومی که درآمد نفت حق تمامی مردم جامعه است و یکی از اصلی‌ترین راه‌های اعطای این حق عمومی به مردم، پرداخت تسهیلات

بانکی به آنهاست، عموم جامعه بدون برخورداری از تصویری کمی و درست از توان تسهیلات دهی بانک‌ها و تحت فشار تقاضاهای برآورده نشده فراوان و تورم همیشگی، همواره خواهان دریافت تسهیلات ارزان قیمت بانکی هستند. واقعیت تلخ نیز این است که به علت مهیا نبودن زمینه فعالیت بخش خصوصی، این تسهیلات عمدتاً صرف تأمین هزینه‌های جاری و روزمره افراد می‌شود که معمولاً هم امکان بازپرداخت این تسهیلات وجود ندارد.

این باور عمومی البته از زاویه نگاه سیاسی و جامعه‌شناسی مسأله درستی است، ولی آنچه باعث تبدیل شدن آن به ضد خود می‌شود، نبود روش‌های اقتصادی و علمی در تخصیص درآمدهای نفتی به عموم جامعه است که در این میان، سوار شدن برخی افراد بر موج این مطالبه به حق، بیش از پیش زمینه طراحی روش‌های صحیح را در برخورداری عموم مردم از درآمدهای نفتی از بین می‌برد.

مسیر دومی که از رهگذر آن، حجم مطالبات معوق بانکی افزایش می‌یابد، پنهان شدن دولت‌ها در پس سیاست‌هایی مانند پرداخت بیش از حد تسهیلات بانکی برای جلب آرای عمومی است. دولت‌ها گاهی علاوه بر اینکه به صورت ناخودآگاه ناکامی‌های اقتصادی خود را با بهره‌مندی از درآمدهای نفتی رفو می‌کنند، سعی دارند تا با استفاده از تزریق بخشی از درآمدهای نفتی از کانال

**مطالبات معوق
بانک‌ها و رشد
نگران‌کننده آن طی
سال‌های اخیر، به
یکی از چالش‌های
نظام بانکی و اقتصاد
کشور تبدیل شده
است.**

عموم جامعه بدون
برخورداری از
تصوری کمی و
درست از توان
تسهیلات دهی
بانک‌ها و تحت فشار
تقاضای
برآورده نشده
فراوان و تورم
همیشگی، همواره
خواهان دریافت
تسهیلات ارزان
قیمت بانکی هستند.

کاهش نرخ سود بانکی به شیوه دو سال گذشته، بیشترین تأثیر را بر افزایش مطالبات معوق داشته است. در حال حاضر، نرخ سود بازار بالغ بر پنج درصد در ماه برآورد می‌شود که با ترکیب نرخ پنج درصد در ماه، به رقم ۸۰ درصدی نرخ سود بازار در سال می‌رسیم. مقایسه نرخ سود بانکی ۱۲ درصد برای بانک‌های دولتی و ۱۳ درصد برای بانک‌های خصوصی با نرخ سود بازار نشان می‌دهد که چنانکه گیرندگان تسهیلات آن را با نرخ سود میانگین ۱۲/۵ درصد دریافت کنند، حاضر به پرداخت شش درصد جرایم دیرکرد نیز می‌شوند، از این رو، نرخ سود تسهیلات آنها در نهایت به ۱۸/۵ درصد افزایش خواهد یافت. بنابراین، باز هم شاهد اختلاف فاحش بین نرخ سود ۱۸/۵ درصدی بانک‌ها و نرخ سود ۸۰ درصدی بازار خواهیم بود.

حال اگر فرض کنیم که بانک‌ها در پرداخت تسهیلات، نرخ سود مشارکتی را با در نظر گرفتن نرخ سود مشارکتی ۲۴ یا ۲۵ درصد به علاوه شش درصد جریمه دیرکرد انتخاب کنند، در نهایت باز هم نرخ سود تسهیلات از ۳۰ درصد تجاوز نمی‌کند! از این رو، تسهیلات گیرندگانی که توانایی بازپرداخت تسهیلات را ندارند، ترجیح می‌دهند این وجوه را بازپرداخت نکنند یا به بازار وارد کنند تا از این راه منفعت کلانی را در مدت زمانی کوتاهی عاید خود کنند.

مجموعه این توضیحات ما را به این نقطه می‌رساند که برای کاهش این مطالبات، باید براساس اصول آزمایش شده و کلی اقتصاد، نرخ سود بانکی را بر مبنای نظام عرضه و تقاضا تعیین کنیم، چرا که تعادل میان عرضه و تقاضا و پیاده‌سازی الگویی مناسب برای کاهش نرخ سود بانکی، موجب می‌شود که نرخ سود تسهیلات در مدت زمانی چندساله تک رقمی شود و نیازی به سیاست‌های دستوری نباشد.

نکته مهم، توجه به این واقعیت است که سیاست‌های اقتصادی، زمان بر است و نمی‌توان همه چیز را به یکباره و دستوری تصحیح کرد، چرا که عواقب سیاست‌های دستوری و بخشنامه‌ای برای اقتصاد کشور زیان بار خواهد بود.

سروش صاحب فصول



دولت‌ها گاهی علاوه بر اینکه به صورت ناخودآگاه ناکامی‌های اقتصادی خود را با بهره‌مندی از درآمدهای نفتی رفو می‌کنند، سعی دارند تا با استفاده از تزریق بخشی از درآمدهای نفتی از کانال تسهیلات بانکی، زمینه ایجاد مقبولیت و محبوبیت را برای خود فراهم سازند.

تسهیلات بانکی، زمینه ایجاد مقبولیت و محبوبیت را برای خود فراهم سازند. این روش، گذشته از پیامدهای ناگواری که برای اقتصاد کشور دارد، گاهی با برآورد نادرست از میزان قدرت تسهیلات‌دهی نظام بانکی نیز همراه می‌شود که نتیجه آن، اعمال فشار بر بانک‌ها برای پرداخت هر چه بیشتر تسهیلات است، در شرایطی که منبعی برای اعطای این وام‌ها وجود ندارد. در این حالت، بانک‌ها ناگزیر از اضافه برداشت از بانک مرکزی هستند که تبعات آن را طی سال‌های اخیر به وضوح شاهد بوده و هستیم.

آمار منتشر شده از سوی بانک مرکزی نشان می‌دهد که مطالبات معوق بانک‌ها در طول سه سال گذشته، افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است. در کنار عوامل بنیادین فوق،